

تحلیل محتوایی مفهوم سوگند و ور در آثار حماسی مطرح ایران و جهان

نعیمه کیلاشکی^۱

(تاریخ دریافت: ۹۷/۰۵/۰۳؛ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۷/۳۰)

چکیده

مقاله حاضر به نقد و بررسی «سوگند»، «سوگند خوردن» و «انواع ور» در آثار ادیبان و همچنین حماسه‌های مهم بشر می‌پردازد سوگند خوردن برای مدعیان در عرصه داوری در همیشه‌ی اسطوره و تاریخ ضرورت داشت و دارد. رگه‌هایی از آن در بین ملل و ادیان گوناگون به صورت مکتوب وجود دارد که این سوگندها به خدا، ایزدان، الهه‌ها، اشیاء مقدس، زمین، آسمان، آتش، آتشکده‌ها و کتب مقدس صورت می‌گرفت و گاه این آزمایش‌های ایزدی با آخشیجان آب و آتش و شوکران و تیزاب انجام می‌گرفت که به شکل «ور گرم» و «ور سرد» بوده و به واسطه آن گناهکار از بی‌گناه جدا می‌شد و پاکدامنی برخی از تهمت‌زده‌ها، مشخص می‌شد. در سرزمین‌های گوناگون چون یونان، ایران، هند، اروپا، «آیین ور» موجود است که نمونه‌هایی از آن در کتب مختلف ادبی از جمله حماسه یافت می‌شود.

واژگان کلیدی

سوگند، ور، آزمایش الهی، آتش، آب.

مقدمه

روند حرکت تاریخی روابط افراد با یکدیگر و با معبود یا هر آنچه که در ورای ذهن آنان قرار داد، نوعی تعهد و التزام عملی و ذهنی به وجود می‌آورد تا در قالب رفتارها و کردارهای متفاوتی آشکار شود، آن چنان که سوگند در واقع اقرار مذهبی یا رسمی است که کیفیت آن از حیث زمان و مکان و غیره تعیین می‌شود. که در راستای ادله‌ی اثبات دعوی به کار گرفته می‌شود.

در تحلیل روابط بین مدعی و مدعی‌علیه، قاضی مجبور بود برای اثبات بی‌گناهی فرد مورد اتهام، از آزمایش‌هایی استفاده کند که آنها را آزمون‌های ایزدی قلمداد می‌شدند. در گذشته این آزمون‌ها با عنوان «ور» و «سوگند» رواج داشت. ورها گاه با آتش و عناصر گرم دیگری چون آهن و ریگ داغ اجرا می‌شد که موسوم به «ور گرم» بود و گاه با آب‌های راکد و روان چون رودهای مقدس انجام می‌پذیرفت که به «ور سرد» معروف بود. که نمونه‌های آن در موارد ملی و مذهبی ایران و جهان به خصوص آثار حماسه نمود یافته است.

سوگند و ور از جایگاه مهمی در آیین‌های حقوقی برخوردار بود و آخرین مرحله برای گذر از تهمت‌ها و تبرئه شدن از گناهان بود. جز راست مگوی گاه و بیگاه

تا حاجت نایدت به سوگند

(دیوان ناصر خسرو، ۱۳۷۲: ص ۹۰، ب ۱۰)

«در اجرای امور قضایی گذشتگان، اجرای آزمون‌های ایزدی منوط به پیشنهاد موبدان و رهبران دینی بود که همیشه گناهکاران از آن گریزان و پاکدامنان روی آور به آن بودند. لازم به ذکر است که تا حد امکان سعی بر آن بود کار به اجرای سوگند نکشد و باید میانجی بکوشد تا پیشمار و پسمار با هم بسازند و آشتی کنند و اگر (میانجی) کامیاب نشد، باید سوگندنامه را به آنان داده، بخوانند و ببیندیشند و از یاد کردن خدا و فرشتگان و پیغمبر و پاکان و نیکان بهراسند و بیهوده نام آنان را بر زبان نیاورند. (ویسپرد، ۱۳۸۱: ۱۶۸).

لازم به ذکر است سوگندگاه از زبان پهلوانان و قهرمانان در حماسه، به خدا و مقدسات و عناصر و غیره شنیده می‌شود که به جهت اثبات در قول و عمل انجام می‌پذیرد که نمونه‌های بسیار فراوانی از آن در عرصه ادبیات مشهود است.

این تحقیق بر آن است پس از بحث و بررسی معانی لغوی و اصطلاحی سوگند و ور، نقش و جایگاه آن را در ادیان مختلف به‌ویژه اسلام و ادبیات حماسی مطرح ایران و جهان مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد.

مبانی نظری سوگند و ور و ادبیات پژوهش کلمه سوگند، از ریشه‌ی اوستایی سَوَگَنْتَ وَنْت (Sao. ken ta. vant) مرکب از سَوَگَنْتَ: گوگرد و ونْت: صاحب و دارنده در مجموع به معنی «دارای گوگرد» یا «گوگردمند» یا گوگردتومند

(Goki Tōmand) است. پس سوگند همان «سوگنت کونت» اوستایی است با حذف پسوند (حسین انوشه، ۱۳۸۱: ۸۲۴)، (معین، حاشیه برهان قاطع، ۱۳۶۳: ۱۷۶).

پس اگر کسی به گناهی متهم است و آن را انکار کند، باید برای ور، آب «سوگنت ونت» و «زریناونت» که حق را از ناحق هویدا می‌سازد، بنوشد (معین (مزدیسنا در ادب فارسی)، ۱۳۶۳: ۱۷۶-۱۸۴).

به عقیده گلاگر چون گوگرد، ملین و سبک و اثرش مشکوک است، پس در روزگار پیشین به هنگام محاکمه آن را با آب آمیخته به متهم می‌نوشانیدند و از زود دفع شدن آن در شکم یا ماندن آن در شکم تقصیر و بی‌تقصیری او را معلوم می‌کردند (معین (حاشیه برهان قاطع)، ۱۳۷۶: ۱۱۴-۱۱۹).

سوگند در عقاید گوناگون

در برابر کارهای خلاف عرف ادیان گوناگون، گاه جهت اثبات ادعایی در جهت صدور حکمی طبق قوانین جاریه آنها، داور حقوقی، متوسل به اجرای عمل سوگند می‌گردد. در گذشته، انواع سوگند به صورت آزمایش‌های ایزدی «ور گرم» و «ور سرد» نامیده می‌شد، و امروزه فقط به صورت «سوگند یاد کردن»، اجرا می‌شود.

سوگند در بین سومریان، یهودیان، مسیحیان، مسلمانان، هندوان و در بین اروپاییان به خصوص یونان قدیم و در انگلیس و اماکن دیگر به صورت

انواع ور، بسته به طبقات اجتماعی صورت می‌گرفت.

در اسلام سوگند به نام خداوند، به واسطه قرآن صورت می‌گیرد. نقش قرآن در فرهنگ عامه، اعم از زندگی فردی و خانوادگی و اجتماعی، در این است که به آن سوگند می‌خورند یا کسی را برای آنکه راست بگوید یا متوجه قولی شود، به آن قسم می‌دهند. قسم خوردن به قرآن سابقه‌ای کهن دارد، مثلاً در تاریخ ایران خان اگر زمانی که به رعیت‌هایش قولی می‌داده یا شاهی، امیری، وزیری می‌خواسته قولش را محکم کند یا مهم جلوه دهد قرآن را مهر می‌کرده است، یعنی عهد یا سوگند را پشت قرآن می‌نوشته و آن را مهر و توقیع می‌کرد.

قسم خوردن به قرآن، موکول به الفاظ خاص است و فقط به صورت قسم جلاله، قسم نام ذات خداوند، به صورت والله یا بالله منعقد می‌گردد و قسم‌های دیگر ولو به‌خانه کعبه، پیامبر اسلام، معصومین یا قرآن از نظر فقهی درست نیست، اگرچه در عرف رایج است. در قانون مدنی ایران، در فصل مربوط به ادله اثبات دعوی قسم، پنجمین دلیل یاد شده است (خرم‌شاهی، ۱۳۷۱: صص ۱۵۵-۱۵۶).

سوگند در واقع اقرار مذهبی یا رسمی و به‌اختیار است که اغلب به هنگام قضا و داوری آن را یاد کنند و سوگند باید به نام خدای تعالی و صفات مختصه او باشد و دادگاه می‌تواند به مناسبت ملیت کسی که سوگند یاد می‌کند، کیفیت سوگند

را از حیث زمان و مکان و غیره تعیین کند (ماده ۱۹ آئین‌نامه سوگند مصوب ۱۳۳۱) (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۸۰۲).

آزمایش ایزدی در بین ملل گوناگون

اولین بار اصطلاح «ور» در قانون حمورابی تحت عنوان ایلونرا Ilonera آمده که ور سرد یا گذر از رود مقدس برای اثبات بی‌گناهی بود. یهودیان: «در سفر اعداد» باب ۵ تورات در پاره‌های ۱۲-۳۱ درباره‌ی اثبات خیانت زنان، همسرانشان آنها را همراه فدیهای که مخلوطی از یک دهم «ایفه Effe» (وزنی در عبری نزد بنی‌اسرائیل) از آرد جو همراه روغن زیتون نزد کاهن می‌برد. کاهن آب مقدس را با گردوغبار سرای می‌آمیزد و بعد از آن که دعایی می‌کند زن را سوگند می‌دهد و پس آن را بر زن می‌خوراند که در صورت گناهکار بودن، شکمش می‌آماسد و زانوهایش سست می‌شود (پوردادو، ویسپرد) (۱۳۸۱: ۱۳۰-۱۳۸).

هندوان: در بین هندوان، هفت آزمایش سوگند وجود داشت: ترازو، آب، آتش، زهر، آشام (چند نوشیدنی)، برنج، زرگداخته که رایج‌ترین نمونه آن آتش و آب بوده است. در آزمایش آتش، باید گلوله آهنی در آتش سرخ شده بوزن پنجاه Pala (نام وزنی است) را بعد از طی مسیری، آزمایش شونده روی برگ‌های مقدس بگذارد، اگر دستش حتی کمی هم سوخته باشد، بزهکار است. در سوگند آب، فردی وارد آب می‌شود،

تیری به سمت او پرتاب می‌شود، اگر او خود را داخل آب فرو برد، بی‌گناه و اگر قسمتی از بدنش از آب بیرون باشد، گناهکار است (همان، ص ۱۴).

تمدن قدیم اروپا: داوری‌های اروپا، از تمدن یونان به روم رسید و سپس در اروپا توسط مسیحیت رواج یافت. آزمایش آنها به دو دسته تقسیم می‌شد: آزمایش آتش «آردالی (Ordalie) گرم» و آزمایش آب، «آردالی سرد» نامیده می‌شد. آردالی آتش چند نمونه بود: یکی آنکه متهم دست خود را روی آتش نگاه می‌داشت، اگر به‌وی آسیبی نمی‌رسید، بی‌گناه بود و یا این که متهم با پیراهن آغشته به موم یا قیر، بایست از آتش می‌گذشت، اگر سالم می‌ماند، بی‌گناه بود. و همچنین اگر نه گام در آتش می‌گذاشت و گزند به‌وی نمی‌رسید، بی‌گناه بود. (مثل آزمایش هندیان بود) و «آردالی آب»، نیز به دو صورت بود: سردوگرم که متهم باید سنگ یا انگشتری را از یک دیگ جوشان، بیرون بیاورد. بعد از این کار، دستش را می‌بستند، بعد از سه روز باز می‌کردند، اگر تاول نمی‌زد، بی‌گناه بود در غیر این صورت گناهکار بود. در روش دوم، شاک و متشاک‌ی هردو را در آب سرد می‌انداختند، نفس هر کدام زودتر تنگ می‌شد، گناهکار بود. در اروپا آزمایش آتش برای گروه مردمان آزاد و آزمایش آب برای مردم فروتر به کار می‌رفت. (همان، صص ۱۴۷-۱۴۸).

سوگند یاد کردن

سوگند یاد کردن، در بین ادیان و ملل مختلف و اشکال گوناگون صورت می‌گیرد: سوگند به خدا، ایزدان و الهه‌ها و آخشیجان و برخی اشیاء مقدس و....

انواع سوگند

۱. سوگند در برابر خدایان و الهه‌ها

سوگند در برابر خدایان و الهه‌ها در ادبیات ملل مختلف وجود دارد مثلاً در حماسه‌ی بزرگ یونان ایلیاد آمده، «هکتور به پله می‌گوید: من بر سر آنم که بمیرم یا جان از تو بستانم، اما دست از زد و خورد برداریم تا در برابر خدایان سوگند یاد کنیم که گواهان و پشتیبانان فرخنده‌ی پیمان ما خواهند بود.» (ایلیاد، ۱۳۷۲: ۶۶۳). سوگند به آپولونی که نزد زئوس گرامی است» (همان: ۴۸). ویرژیل در انه‌ئید می‌نویسد: «در میان خدایان دوگانگی افتاده است، اما ژوپیتر به استیکس سوگند یاد می‌کند که ترازو را در میانه‌ی دو سپاه جنگنده در ترازو (تعادل) خواهد داشت.» (کزازی، انه‌ئید، ۱۳۷۵: ۳۶۴).

۲. سوگند دادن خود ایزدان و الهه‌ها

گاه خود ایزدان و الهه‌ها سوگند داده می‌شوند اولیس به آتنه گفت: «تو را به پدرت سوگند می‌دهم گمان ندارم به ایتاک که از هر سوی پدیدار است رسیده باشد» (اودیسه، ۱۳۷۱: ۳۹۸) «هرچه فوبوس به فروتنی در پای زئوس خم

شود، او را سوگند دهد، این دم شوم را از پس برد، بیهوده خواهد بود.» (ایلیاد، ۱۳۷۲: ۶۶۲).

۳. سوگند خوردن به یزدان و خداوند

راجه (به گورمکه که پیام رکهشیر را مبنی بر نفرین پسر او که یک هفته بیشتر زنده نمی‌ماند، آورد) گفت: «ای بنده خدا، عجب پیغام مهمی برای من آورده‌ای، بخدا سوگند که من از گزیدن مار و مردن، آنقدر غم به خاطر من راه نیافت. بلکه به خاطر کاریست که با چنان بزرگواری انجام داده‌ام.» (مهابهارات، ج ۱)، ۳۹: ۱۳۸۰).

ظفرنامه حمداله مستوفی

در اشعار حماسی فارسی سوگند به یزدان و دادار به قسم می‌آید:
به یزدان اگر اهل عالم تمام
به یک سوروند مرد و زن خاص و عام
(مدائینی، ۱۳۸۰: ۳۵۰، ب ۷۴۹۳)

شاهنامه

بدانگه کجا شاه در بند بود
به یزدان مرا سخت سوگند بود
(فردوسی (حمیدیان)، ۱۳۷۴: ۸، ص ۳۴۰)

گرشاسب‌نامه:

به یزدان که بنشینم آنگه ز پای
مگر کامت آرام سراسر بجای
(اسدی (یغمایی)، ۱۳۵۴: ۴۲، ب ۶۷)

که سوگند بودش به یزدان پاک
که آنجا به خوششان کند گل ز خاک
(همان، ص ۲۶ ب ۷)

سپهبد به دادار سوگند خورد

که امروز تنها نمایم نبرد
(همان، ص ۱۲۰، ب ۹۴)

شاهنامه

به دادار دارنده سوگند خورد

به روز سپید و شب لاژورد
(فردوسی (حمیدیان)، ۱۳۷۴: ج ۴، ص ۱۴)

۴- سوگند دادن به روح پدر

گاه شخصی را به روح پدر سوگند می دهند: «به سنجی گفت: من تو را از آن جهت به سر خزاین خود تعیین نموده ام که می دانم تو از مخصوصان خاص عم من دهر تراشت هستی. حالا می باشد هرچه او خواسته باشد و هرچه او را ضرر بوده باشد، تمام را می داده باشی... اگر چنین نخواهی کرد، به روح پدر خود سوگند که تو را آزار بلیغ خواهم کرد» (مه‌ابهارت، ج ۳: ۱۵).

۵- قسم به زمین

بچرخ و زمین کرد سوگند یاد

که امروز بدهم درین جنگ داد
(اسدی (یغمایی)، ۱۳۵۲: ص ۱۰۴، ب ۵۷)

۶- سوگند به آسمان

چنین است سوگند چرخ بلند

که بر بی گناهان نیاید گزند
(فردوسی (حمیدیان)، ۱۳۷۴: ص ۳۳، ب ۴۶۳)

۷- سوگند به آذر و اوستا

به رخشنده آذر، به استا وزند

به خورشید روشن به چرخ بلند

به یزدان که اهریمنش دشمنست

به زردشت کو خصم اهریمن است
(شرفنامه، ص ۹۹۲، ب ۲۰)

۸- سوگند به مهر

در اعتقادات مزدیسناپی مهر ایزد راستی، دلبری و سلحشوری، فروغ و روشنی، مراقب گاو و چهارپایان و چراگاه‌های فراخ، نگاهبان عهد و پیمان و مجازات کننده‌ی دروغگویان و پیمان شکنان است و دروغگو و پیمان شکن «مهر دُروج» خوانده می شود و «مهر دروجی» از زمره گناهان است؛ از این رو نقش مهر در پاییدن و نظارت بر راستی و وفای به عهد، موجب گشته به او لقب میانجی و داور داده شود. در عهد باستان، در مجامع عمومی به هنگام رسیدگی به دعاوی حقوقی و قضایی مهر، را به عنوان گواه بر حکم و داد و قانون فرامی خواندند و به نامش سوگند می خوردند. در متنی موسوم به سوگندنامه آمده است: که میانجی باید کرد تا زود زود سوگند نهلند (باقری، ۱۳۸۵: ۱۴۷).

پرستش مهر در امپراطوری پارت، آسیای صغیر، یونان و روم گسترش داشت (گئوویدن گرن، ۱۳۷۷: ص ۳۱۵). گزنفون و پلوتارخ گزارش می کنند که ایرانیان در مراسم سوگند خواری و در آغاز نبردها، مهر را نیاپیش می کردند و کتزیاس از سوگند ایرانیان به خورشید یاد می کند. هم چنین در نوشته‌ای سریانی، شاپور ساسانی، به خورشید داور تمام زمین قسم یاد می کند. (همان، ص ۱۵۳)

کودکان خواهند درید (ایلیاد، ۱۳۷۲: ص ۱۵۲).
 (منلاس در بین دو لشکر گفت:) اما باید که
 پریام خود «زیرا که پسرانش پیمان گسل و
 سوگندشکن اند، بدین هم‌آهنگی سوگند یاد
 کند، تا هیچ کس پیمانی را که به نام زئوس
 بسته‌اند، نگسلد.» (همان، ص ۱۲۵)

ور

برای اثبات حقانیت مدعی و مدعی‌علیه
 (پیشمار و پسمار)، زمانی که شاهدی وجود
 نداشت، مجبور بودند که به پیشگاه خداوند روی
 آوردند و تن به آسایش الهی می‌دادند. سالیان دور
 برای این کار، متوسل به نیروهای الهی می‌شدند
 مثل آزمایش‌هایی به وسیله آخشیجان آب، خاک،
 آتش، دلیل بارز هر کدام از آنها، تقدسشان است
 که بین ملل گوناگون متفاوتند این آزمایش‌ها،
 ابتدا به صورت تن به تن که در اروپا دوئل (duell)
 گفته می‌شد، انجام می‌گرفت.

در اوستا، داوری ایزدی، «ورنگه: (Vareh)
 «Varneh» در پهلوی «(Var)» به معنی باور
 کردن برگزیدن، بازشناختن، گرویدن و دین
 آوردن، «در پارسی باستان و سانسکریت به
 معنی «برگزیدن و بازشناختن» و در پهلوی و
 فارسی به صورت «واور» و «باور» آمده در اصل
 کلمه در سانسکریت «دیویه Divge» از واژه
 «دیو Deva» خداوندگار، در عربی «محنه» از
 امتحان آمده است، که به شکل واژه «قسم»
 به کار می‌رود (پورداود، ۱۳۸۱: ۱۲۰-۱۲۱).

علاوه بر آن داوری و قضاوت مهر، تنها به
 جوامع بشری اختصاص نداشت بلکه داوری میان
 اهریمن و هرمزد دو مصدر آفرینش و خلقت
 کیهانی نیز از خویشکاری‌های او به شمار است
 (همان، ۱۴۷ و ۱۴۸).

۹- سوگند به اشیاء مقدس

۹-۱. سوگند به پرچم: بین سربازان مهرداد،
 اوپاتور «سوگند به پرچم sacramentum» وجود
 داشت. (گئوویدن گرن، ۱۳۷۷: ص ۳۱۵)
 ۹-۲. سوگند چوبدست: در ایلیاد سوگند به
 چوبدست وجود دارد: «آخیلوس با سخنان ناروا
 بزاده آتره خطاب کرد و گفت: اکنون من بر
 تو آشکار می‌کنم و سوگندی بزرگ می‌خورم.
 سوگند بدین چوبدست، این سوگند که می‌خورم،
 ترا استوارترین سوگند خواهد بود.» (ایلیاد، ۱۳۷۳:
 ۵۵)

۱۰- سوگند به طرف مورد خطاب

«پالاس به کجا می‌گریزد این یاران! شما را
 سوگند به خود، به کارهای برجسته و نمایانتان،
 به نام سالارتان او اندر، به جنگل‌های او که به
 پیروزی انجامیده است، به امیدی که من می‌برم
 تا بتوانم....» (انه‌ائید، ۱۳۷۲: ۳۸۱)

شکستن سوگند

همیشه شکستن سوگند پسندیده نیست.
 آگاممنون می‌گوید: زئوس هیچ پیمان‌شکن
 را نمی‌پسندد شکنندگان سوگندهای ما را. ..

عناصر مقدس

به‌عنوان نمادی رمزآمیز از الوهیت نامریی است که هم‌چون رشته و عقدی سه عالم آسمان، فضا و زمین را به هم می‌پیوندد. آذر در مزدیسنا از زمره بزرگ‌ترین داده‌های اهورامزدا و او نیایش‌ها و دعا‌های مردمان را به بارگاه مزدا اهورا می‌رساند. به دلیل قداست آتش، آتوربانان یا آتوریان در مقابل آتش، سر و قسمت پایین چهره خود را با پوششی به‌نام پنام می‌بستند (همان، صص ۴۹-۵۰).

آتش بین آریایی‌ها قداست خاص خود را دارد. در مه‌ابه‌ارات آمده: «راجه شوتیک، دوازده سال بر آتش روغن ریخت و آتش امتلاء شده و رنگش زرد بود و قوتی نداشت، برهما به او گفت: «کهندوبن! جنگل را بسوزان چرا که در آن انواع جانوران و گیاهان نافع، بسیار است. چون تو آن را می‌سوزی، این علت از تو می‌رود. آتش برهما را وداع کرده و به آن جنگل رفت و چون در آنجا برافروخت، همان زمان ایندر از بالا باران چندان ریخت که آن آتش را کشت.» (جلالی‌نائینی، ۱۳۸۰: ۲۰۶) و گاه گناهکار با وجود گناهکاری، خود را دلیل خاموش شدن آتش می‌داند. «و چون همه راجه‌ها و برهمنان را طلبید و بزرگان جمع گشتند و آتش را به جهت سوختن چیزها- چنانکه در جنگ رسم باشد برافروختند، آتش ناگاه به یک مرتبه فرو مرد و افروخته نشد هرچند سعی کردند، اصلاً آتش روشن نمی‌شد، راجه در جودهن به برهمنان گفت: که سبب چیست که آتش افروخته نمی‌شود؟

عناصر اربعه شامل آب، خاک، باد و آتش است که هر کدام از قداست خاصی در بین ادیان گوناگون برخوردارند. «در عقاید آیین مزدک» عناصر و ارکان اصلی عبارتند از سه عنصر آب، خاک و آتش که از آمیزش این سه عنصر با هم مدبرخیر و مدبر شر پیدا می‌شود که امور جهانی و خلقت مادی را اداره می‌کند. (باقری، ۱۳۸۵: ۱۲۴) که معروفترین آنها آتش و آب می‌باشند. آتش: آذر، در اوستا آتر tarâ و آترا trâ و آتره thrâ و آتر trâ و در فرس هخامنشی آتر tarâ آمده و در پهلوی turâ و آتخش (جمع آتخشان) و در فارسی آذر و در پازند و فارسی آتش نیز می‌گویند. آذر و آتش هر دو یکی است و همان tarâ اوستایی و فرس هخامنشی است. اگر که حالت فاعلی مفرد، آترش می‌شود که در فارسی واج «را» آن انداخته، آتش گفته می‌شود. آتش در متون ایرانی و هندی آگنی agni خوانده می‌شود و آذر فرشته نگهبان آتش، یکی از بزرگ‌ترین ایزدان مزدیسناست. (باقری، ۱۳۸۵: ۲) در نظر مانویان خاموش کردن و آلودن آتش و آلودن آب بسیار مذموم و نابایست است (همان، صص ۱۱۰). لازم به ذکر است که هنوز در زبان کردی، خاموش کردن آتش آنقدر مذموم است که خاموش کردن آن را با کشتن به‌کار می‌برند و می‌گویند «آئیر بُکوشه aē-re-bo-ko-ša». مهم‌ترین عنصر در تشریفات مراسم کیش زردستی و مذاهب مربوط بدان، آتش مقدس است. آتش یا آذر

آیا به جهت گناه من است یا گناه شمایان؟ آیا در میان شمایان ناپاکی هست که به شومی او این آتش می‌میرد و این جنگ تمام نمی‌شود؟» (جلالی‌نائینی، ۱۳۸۰: ج ۴، ص ۴)

آب: آگنی فرزند آب‌های فضای میانه است. مبداء پیدایش او در زمین یک جفت آتش‌زنه است که بر اثر اصطکاک، آتش را به وجود می‌آورند که یکی نربنه و دیگری مادینه است. چون آب گیاهان را می‌رویاند و نیروی ناحیه زمین را تقویت می‌کند و از گیاهان چوب و از اصطکاک چوب، آتش پدیدار می‌شود. پس آگنی فرزند آب‌هاست (باقری، ۱۳۸۵: ۲۷).

ایرانیان قدیم خورشید و ماه و زمین و آب و هوا را نیایش می‌کنند. ایرانیان در هنگام قربانی کردن، برای فرشته آب، در کنار رود یا سرچشمه و کرانه دریا گودالی کنده، در کنار آن قربانی می‌کنند آن‌چنان که آب از خون قربانی آلوده نشود. ایرانیان در آب روان، آب‌تنی نمی‌کردند و در آن لاشه و مردار نمی‌افکنند و به هیچ روی آلودن آن را روا نمی‌دارند (پورداد، فرهنگ ایران باستان، ۱۳۸۰: ۶۶).

سوگند و ر

آزمایش‌های ایزدی، اغلب با دو عنصر مقدس آب و آتش صورت می‌گرفت که آزمایش با آب، «ور سرد» و آزمایش با آتش را «ور گرم» می‌نامیدند. در آثار گوناگون ایران و جهان این ورها دیده می‌شود. در دو اثر حماسی بزرگ

مهابهاراتا و رامایانا عبور از آتش و سرد شدن آن آمده است.

۱- در آثار هندیان

مهابهاراتا: بسشت بعد از آنکه صد پسرش توسط دیو کشته شدند، به غایت غمگین و محزون گشت وی بعد از مرگ پسرانش خودکشی کرد، بر بالای سمیرپربت رفت و بر بالای آن کوه مثل مناره، پارچه‌ای بغایت بلند بود، بر آن بالا رفت و از آن کوه خود را بینداخت و... و به او آسیبی نرسید. پس آتش عظیمی برافروخت و در میان آن درآمد، به قدرت الله تعالی، هیچ جای او را نسوخت (مهابهارات، ج ۱، ۱۳۸۰: ۱۷۷).

«سدنوا در دیگ روغن انداخته شد چون بر خلاف راجه کار کرده بود و حکم کرد که سدنوا را در آن دیگ اندازند پس سدنوا غسل کرد و رخت‌های پاکیزه بپوشید و نام خدا بر زبان آورد بعد از آن سدنوا را در آن دیگ روغن انداختند، و سدنوا در آن وقت نام خدا بر زبان آورد. .. چون سدنوا را در آن روغن جوشان انداختند و آن روغن جوش بر آورده. بالا رفت، بعد از شعله آن فرو نشست و بر او سرد شده هیچ آزار به سدنوا نرسید.» (قزوینی، ۱۳۸۰: ۲۷۸).

والمیکی برای بانوی پاک حماسه‌اش سیتا و برای اثبات پاکدامنی‌اش، آزمایش عبور از آتش را انتخاب می‌کند. (پورداد، دینکرد، ۱۳۸۱، صص ۱۴۲-۱۴۳). «ویستا بعد از آنکه به اسارت

راونه Rāvāna غول در آمد به آنها تن در نداد و از رام دل بر نکند. اما راما پس از نجاتش به او بدگمان شد سیتا برای بی گناهی خود چاره‌ای جز او ندید که به داوری ایزدی روی آورد و از آتش پاک گواهی خواهد. ... او بی بیم خود را با آتش افکند بی‌گزند از دل آتش رستگار بر آمد. باتش در شده دانی که چون شد

درون بیرون شد و بیرون درون شد
چو یاقوتی که گیرند امتحانش

نکرده آتش سوزان زیانش
(بانی پتی) نقل از ویسپرد، ص ۱۴۳)

اروپا: به «ورگرم» «ارالی» می‌گویند، متهم باید دست خود را روی آتش نگهدارد، اگر نسوزد، بی گناه است. یا پیراهن آغشته به موم یا قیر باید در میان آتش همیزم بگذرد، یا نه گام در میان آتش بردارد، یا آهنی آتشین بردست بگیرد. در آثار حماسی اروپایی چون ایلیاد و اودیسه و انه‌ئید «ور» دیده نشده است.

ایران باستان

۱- در اوستا بخش «رشن یشت» از انواع «ور» سخن می‌رود که به وسیله آتش، برسم، پیاله سرشار و ور روغن و شیره گیاه نام انجام می‌شد. بگواهی نامه پهلوی دینکرد «ور»، سی و سه آیین دارد (همان، ص ۱۵۱) که در مورد اکثر آنها، آگهی در دست نیست. اما این گونه حدس زده شد که «از پنج آزمایشی که در رشن یشت یاد گردیده، می‌توان دریافت که در یکی از آنها «آتش» به کار می‌آمده و در دیگری «برسم».

آزمایش برسم که ناگزیر یک گونه «ور سرد بوده معلوم نیست چگونه به جای آورده می‌شده، از پیاله سرشار یا جام لبریز ناگزیر یک گونه آشام اراده شده آزمایش با روغن شاید در روغن داغ باشد گیاه نیز شاید یک آشام زهرآگین باشد» (ویسپرد، ص ۱۵۱).

۲- در پاره ۹ در آفرینگان گهنبار آمده کسی که در روز پتیه شهیم (روز آفرینش زمین) فقرا را در نیابد، نباید به آزمایش ایزدی گستاخی کند. در نوشته‌های پهلوی، در دینکرد که در بخش هشتم و نهم آن، از بیست و یک نسک اوستا، سخن می‌رود در بخش داتیک، از آزمایش ایزدی سخن می‌رود و از نسکی به نام «ورستان» یاد می‌شود که از ساختن صحبت می‌شود. در «سکاتوم نسک» از «ور سخت» و «ور آسان» و از «ور» پا او رو خورا نو» xura pāūrū نام برده شد و در داستان دینیک، در شایست نه‌شایست از ور سخن می‌رود در یسنا نقل می‌کند که هات ۳۶، شش ور گرم وجود دارد که یکی از آنها آزمایش آهن گذاخته است که بر سینه‌ی گناهکار ریخته می‌شد اگر دل پاک و بی‌آلایش بود آهن آن را نمی‌سوزاند.

۳- پس از درگذشت اردشیر در زمان پسرش شاپور یکم، هنوز فرقه‌ها و کیش‌هایی در شک و تردید نسبت به دین زردشت بودند. این بار موبد موبدان آذربادمه‌راسپندان پا به میدان نهاد. تبار پدری او به سپیتمان زرتشت و تبار مادری‌اش به گشتاسب شاه می‌رسید. در حضور شاپور پسر

اردشیر، آن شکاکان از آزر یاد شنیدند که: اگر شما را شکی به دین بهی می‌باشد، من به درستی و راستی این دین سوگند می‌خورم. گفتند: چگونه سوگند می‌خوری و ثابت می‌کنی؟ گفت: نه من فلز روی را بگذارید. من در پیش روی شما، سرو تنم را می‌شویم تا آسوده شوید که هیچ مایعی به بدنم نماند. از آن فلز مذاب بر سینه‌ام بریزید؛ اگر سوختم شما راست می‌گویید... و اگر نسوختم، شاید باید دست از گمراهی بشوید و دیده‌های ارداویراف را باور آورید و دین بهی را بپذیرید و چنین شد که پیش چشم هفتاد هزار شاهد آزر یاد از آزمون پیروز به درآمد (مزدیسنا، ۱۵۹: ۱۳۸۸).

ور در ادب فارسی

۱- فردوسی بزرگ، در شاهنامه خود علاوه به سوگند یاد کردن به نام خداوند، یک‌جا از آزمایش و برای بی‌گناهی پاک‌مرد ایران، سیاوش پسر کی‌کاوس یاد کرده‌است. سودابه نامادری هوس باز با چشمان ناپاکش عاشق ناپسری پاکباز و پاکروی خود می‌شود، با سرباز زدن سیاوش از این عشق ناپاک، او را نزد شاه متهم جلوه می‌دهد و کی‌کاوس خشمگین به رسم اجرای سوگندها، موبدان را برای قضاوت فرامی‌خواند و آنها آزمون گذر از آتش را پیشنهاد می‌کنند و اقرار کردند که آتش بر بی‌گناهان گزند نرساند. و کی‌کاوس می‌دانست که «سوگند پرمایه» آیین بود.

مگر کاتش تیز پیدا کند

گنه کرده را زود رسوا کند
(حمیدیان، ۱۳۷۴، ج ۳، ۲، ب ۴۶۶)

سیاوش پذیرفت و گفت: «اگر کوه آتش بود بسپر» (حمیدیان، ج ۲)، ۱۳۷۴، ص ۳۳، ب ۴۷۲) سیاوش با لباس سپید و اسبش سیاه وارد آتش شد.

سیاوش سیه را بدانسان بتاخت

تو گفتمی که اسپش به آتش بساخت

زهر سو زبانه همی برکشید

کسی خودو اسپ سیاوش ندید

یکی دشت با دیدگان پرزخون

که او تا کی آید ز آتش برون

چو او را بدیدند برخاست غو

که آمد ز آتش برون شاه نو

(همان، ب ۵۰۷ - ۵۱۰)

چنان آمد اسپ و قبای سوار

که گفتمی سمن داشت اندر کنار

چو بخشایش پاک یزدان بود

دم آتش و آب یکسان بود

(همان، ب ۵۱۲ - ۵۱۳)

۲- در ویس و رامین اسدی نیز آزمایش

«ور گرم» وجود دارد. پادشاه سرزمین مرو

نسبت به زنش ویسه بدگمان می‌شود که عاشق

برادر کوچک او یعنی رامین است. برای اثبات

بی‌گناهی از او می‌خواهد که سوگند بخورد و

بی‌گناهی خود را با گذشتن از آتش و با اجرای

«ور گرم» ثابت کند.

بدین پیمان توانی خورد سوگند

که رامین را نبودش با تو بیوند

اگر سوگند بتوانی بدین خورد

نباشد در جهان چون تو خردمند

جوابش داد ویس ماه پیکر

بت آزاد سرو یاسمن بر
چرا ترسم ز ناکرده تباهی
بسوگندان نمایم بی گناهی
به پیمان و به سوگندم مترسان
که دارد بیگنه سوگند آسان
چو در زیرش نباشد تا صوابی
چه سوگندی خوری چه سردابی
بخور سوگند و زتهمت برستی
روان را از ملامت‌ها بشستی
و بعد می گوید من آتشی روشن می کنم که تا
تو نزد دینداران عالم، به آن آتش سوگند خوری،
و حتی بی گناهی تو ثابت شد، من دیگر باتو کاری
ندارم. موبدان را خواند و آتش مهیا کردند و...
ویسه چون بی گناه نبود از آزمایش ترسیده و با
رامین و دایه خود فرار کرد.

در آثار منظوم دیگر، «مثنوی مولوی در بحث
سنی و فلسفی در سر حدوث و قدمت عالم
«وقتی نتوانستند با هم بسازند بر آن شدند برای
اثبات حقانیت، به آزمایش آتش و آب رو آورند،
داستان سلمان و ابسال جامی و در حکایت
دو حکیم متنازع مخزن الاسرار آزمایش ور آمده
است (پورداد، ۱۲۲: ۱۳۸۱-۱۲۸).

۱۳- سوگند یاد نمودن

سوگندها در ادب فارسی به واسطه حرف اضافه
به قسم می آید.

بهبو به گرشاسب که از جانب مهراج به هواداری
او فرستاده بود گفت:

بخورشید و دین بتان نخست

بگو روی پی آدم و بوم درست

که بر خون برانم کت و افسرم
برم زی سرندیب بی تن سرت
(اسدی طوسی، ۱۳۵۳: ۷۸، ب ۳۷ و ۳۸)
در ظفرنامه وقتی ابوطالب و نسطور راهب
همدیگر را دیدند راهب از حضرت محمد خواست
که جواب او را بدهد:

به لات و به عزّی که از تو سخن
بپرسم در آن پاسخم راست کن
مده گفت سوگند بر من چنین
کز ایشان دل من بود پر زکین
بدو گفت راهب: به حق خدا
بده پاسخی راست اکنون مرا
(حمدالله مستوفی، ۱۳۸۰: ۲، ب ۲۹۰-۲۹۲)

به پاکیزه یزدان که ماه آفرید
جهان را بسان توشاه آفرید
به آذرگشب و بخورشید و ماه
بجان و سر نامدار شاه
(شاهنامه، ۱۳۷۴، ج ۹، ۱۱۱۷-۱۱۱۸)

به دارنده آسمان و زمین
کزو مایه دارد همان و همین
خدایی کزو هرکه آگاه نیست
خرد را بدان بی خرد راه نیست
به راه نیاکانش پیشین ما

که بودند پیغمبر دین ما
بصحف براهیم یزدان شناس
کزان دین کنم پیش یزدان شناس
(شرفنامه، ۱۳۷۴: ۹۹۹، ب ۲۶)

جدول روبرو بر مبنای یافته‌های تحقیق حاضر
تدوین شده است.

| محتوا و ادیان و کشورها | منبع سوگند | زمینه سوگند | مرجع سوگند | جایگاه قاضی |
|------------------------|--------------|---------------------------------|-----------------|-----------------|
| اسلام | قرآن | اثبات بی‌گناهی | قرآن، قسم جلاله | قانون مدنی |
| یهود | تورات | اثبات خیانت زن | آب مقدس | قانون عرفی مدنی |
| هند | کتب مقدس ودا | اثبات بی‌گناهی | آب و آتش مقدس | قانون عرفی |
| ایران | اوستا | اثبات بی‌گناهی و اثبات خیانت زن | آب و آتش | قانون عرفی |
| بابل (قانون حمورابی) | لوح مقدس | اثبات جادوگری و خیانت زن | رود مقدس | قانون عرفی مدنی |

در جدول بالا، مراسم اجرای سوگند و ور در ادیان گوناگون بررسی شده است که منبع و مرجع قسم در همه «کتب مقدس» و مذهبی بود. در اسلام همیشه به نام خداوند تعالی قسم یاد می‌شود. برای اثبات بی‌گناهی در قانون کشور، شخص مجبور به قسم خوردن به نام جلاله الله با توسل به قرآن مجید است.

در بین ایرانیان قدیم برای اثبات بی‌گناهی و تبرئه از تهمت آزمون‌های ایزدی ور گرم و ور سرد همراه آتش و آب اجرا می‌شد که آن مأخوذ از اقرار به تقدس عناصر مثل ملل دیگری چون هندیان و بابلیان و یهودیان بود.

بیشتر ملل صاحب تمدن قدیم، از آزمون‌های ور گرم و ور سرد برای اثبات بی‌گناهی یا گناهکار بودن استفاده می‌نمودند که نشان از احترام آنان به سرچشمه و آخشیح و عنصر سازنده‌ی جهان

می‌باشد که منبع آزمون‌های ایزدی بودند با اجرای آن به پاک بودن و ناپاک بودن افراد، به یقین می‌رسیدند پاکانی چون سیاوش و سیتا و ناپاکانی چون ویسه و سودابه.

نتیجه‌گیری

آیین سوگند خوردن و سوگند یاد نمودن در اقرارهای مذهبی یا رسمی و اختیاری در بین ملل و ادیان مختلف با اشکال گوناگون انجام می‌شود. سوگند که معادل کلمه قسم، یمین و طف عربی است، امروزه در ادبیات بیشتر با حرف اضافه به کار می‌رود.

برای اثبات بی‌گناهی متهمان، داوران و قاضیان که در آثار مورد بررسی بیشتر موبدان بودند، آزمایش ور صورت می‌گرفت که به دو صورت «ورگرم» و «ورسرد» به وسیله آتش و آب که نزد آنان مقدس بودند، اجرا می‌شد. در حماسه‌های مطرح هند «بششت» و پسدنوا در «مهابهاراتا»، «سیتا» در «رامایانا» تن به آتش می‌دهند. در آثار اروپایی اگرچه اشکال مختلف ور صورت می‌گرفت. اما در آثار مطرحی چون «ایلیاد و ادیسه» و «انه‌ئید» آزمایش ور دیده نمی‌شود. در ایران باستان، آیین ور اجرا می‌شود، مثل زمان اردشیر ساسانی و ارداویراف‌نامه.

با بررسی کتب بازمانده از گذشتگان ۳۳ نوع ور وجود داشت. اما اکثر آنها ناشناخته هستند. «ورگرم» و «ورسرد» در آثار حماسی مورد بررسی ایران، در «شاهنامه» دیده می‌شود،

آن هم برای سیاوش پاکدامن و سودابه بدطینت. سیاوش به آن تن می‌دهد و چون ابراهیم خلیل آتش بر او سرد می‌گردد و از تهمت مبرا می‌شود در آثار غنایی ادب فارسی، در «ویس و رامین فخرالدین اسعد» آمده که ویس چون سودابه به ور آتش تن نمی‌دهد و همراه رامین و دایه‌اش می‌گریزد. بعدها سوگند به صورت خوردن گوگرد بود که خاصیت ملینی داشت. چون آن را به متهم می‌نوشانید. اگر گناهکار بود شکمش ورم می‌کرد و در غیر این صورت بی‌گناه بود. به نوعی

«ورسرد» محسوب می‌شد اما در ادب فارسی از «ورسرد» خبری نیست. در مجموع سوگندها، به مقدسات همه‌ی جوامع و ملل بود. سوگند به خداوند بزرگ که مورد قبول تمام مردم ملل بوده و چه سوگند یاد نمودن از پیامبران و عناصر مقدسه طبیعی و برخی ابزاروآلات مورد تقدس چون چوبدست و پرچم و غیره و سوگند به روح پاک گذشتگان صورت می‌گرفت.

فهرست منابع

- آموزگار، ژاله و تفضلی، احمد، کتاب پنجم دینکرد، تهران: انتشارات معین، چاپ اول، ۱۳۸۶.
- انوشه، حسن، فرهنگنامه ادبی فارسی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۱.
- باقری، مهری، دین‌های ایران باستان، تهران: انتشارات قطره، چاپ اول، ۱۳۸۵.
- بروجدی، حسین، منابع فقه شیعه (ج ۳)، مترجم احمد اسماعیل تبار، سیداحمدرضا حسینی، مهدی حسینیان، تهران: فرهنگ سبز، ۱۳۸۹.
- پورداوود، ابراهیم، فرهنگ ایران باستان، تهران: انتشارات اساطیر، چاپ اول، ۱۳۸۰.
- پورداوود، ابراهیم، ویسپرد، تهران: انتشارات اساطیر، چاپ اول، ۱۳۸۱.
- تبریزی، محمدبن خلف، برهان قاطع، ج ۲، با حواشی محمدمعین، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۶.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین، قرآن پژوهی (هفتاد بحث و تحقیق قرآنی)، تهران: انتشارات مرکز نشر فرهنگی مشرق، چاپ دوم، ۱۳۷۳.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین، قرآن شناخت (مباحثی در فرهنگ آفرینی قرآن)، تهران: انتشارات طرح نو، چاپ سوم، ۱۳۷۵.
- خیامپور، عبدالرسول، دستور زبان فارسی، تهران: انتشارات ستوده، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۴.
- دستگردی، وحید، کلیات حکیم نظامی گنجوی، به اهتمام پرویز بابایی، تهران: چاپ صدر، چاپ اول، ۱۳۷۴.
- دهخدا، علی‌اکبر، لغتنامه دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۸.
- زمرّدی، حمیرا، نقد تطبیقی ادیان و اساطیر، تهران: انتشارات زوّار، چاپ سوم، ۱۳۸۸.
- اسدی طوسی، گرشاسب‌نامه، تصحیح حبیب یغمایی، تهران: چاپ افست مروی، چاپ دوم، ۱۳۵۴.
- فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه، تصحیح سعید حمیدیان، تهران: انتشارات دفتر نشر راد، چاپ دوم، ۱۳۷۴.
- فلیپ ژینیو، ارداویراف‌نامه (ارداویرازنامه)، ترجمه ژاله آموزگار، تهران: انتشارات معین، ۱۳۷۲.
- قزوینی، میرغیاث‌الدین علی (نقیب خان)، مهابهات، مترجم جلالی‌نائینی، تهران: چاپ دوم، ۱۳۸۰.
- کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی (در نظم حقوقی کنونی)، تهران: نشر میزان، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۴.
- کزازی، میرجلال‌الدین، نامه باستان، ج سوم، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۸۳.
- گتویدن گرن، دین‌های ایران، مترجم هوشنگ فرهنگ، تهران: انتشارات آگاهان ایده، چاپ اول، ۱۳۷۷.
- مزدیسنا، سوشیانت، قبله زرتشت (داستان دین‌آوران ایران)، تهران: انتشارات آشیانه کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۸.
- مستوفی، حمدالله، ظفرنامه، تصحیح مهدی مدابنی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۰.
- معین، محمد، مزدیسنا در ادب فارسی (ج ۲)، تهران: دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۶۴.

- ناتل خانلری، پرویز، تاریخ زبان فارسی، تهران: انتشارات فردوس، ۱۳۷۷.
- ویرژیل، ترجمه میرجلال‌الدین کزازی، تهران: نشر مرکز، چاپ دوم، ۱۳۷۵.
- هومر، ایلپاد، ترجمه سعید نفیسی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ نهم، ۱۳۷۲.
- هومر، ادیسه، ترجمه سعید نفیسی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ نهم، ۱۳۷۱.